



#### نقد و نظر

## شانه تخم مرغ‌ها طبق طبق

محمد باقری
سینما
مصدقی کیایی»، «این عبارتی است که روی پوستر فیلم «مطرب» می‌بینیم. جمله‌ای که

ظاهرا نوید يك فیلم دیگر نسبتا جذاب از مصطفی کیایی را می‌دهد. واقعیت سالن سینماها اما این را نشان نمی‌دهد. مطرب ملغمه‌ای شده از بازی روی خطوط قرمز به سطحی‌ترین حالت ممکن و دستاویز قرار دادن جذابیت‌های سطحی و مبتذل برای گرفتن خنده از مخاطب، اتفاقی‌که بیش از هر چیزی افسوس را به ذهن تداعی می‌کند که چرا باید کار يك مولف از آثاری مانند «خط ویژه» و «عصر یخبندان» به اثر يك بار مصرفی مانند مطرب برسد. کافی است اگر گذرزان به سینما افتاد، علاوه بر این‌که حواس‌تان به فیلم بود نیم‌نگاهی هم به تماشاگران و حاضران در سینما باشد.

اصلا بشمارید که تماشاگران چند بار می‌خندند و این تعداد خندیدن‌ها چند بار مربوط به صحنه‌هایی حاوی دیالوگ‌های جنسی است. آتش مطرب به قدری شور می‌شود که موتیف تکرار شونده فیلم یکی از همین شوخی‌های دستمالی شده جنسی است. فارغ از این‌که همراه شدن فیلم با چنین عبارات و خنده گرفتن از مخاطب با آویزان شدن از چنین موقعیت‌هایی چقدر هنر است و چقدر درست، افسوس بزرگ هرکسی که کیایی و سابقه و کارنامه او را دنبال کرده باشد این است که مصطفی کیایی دارد با خودش چه می‌کند؟!

آقای فیلمساز حتی در پرورش قصه و درام موضوع هم تلاش نکرده تا حداقل اثری در حد و اندازه‌های نام خودش خلق کرده باشد. این قابل فهم است که کیایی برای گیشه و فروش بیشتر تن به ورود به چنین گونه‌ای داده، ولی سؤال این که آیا برای کشاندن مخاطب به گیشه، راهی به جز ریختن منظرای از يك کشور خارجی و بازیگر زن غیرایرانی و خوانندگی‌اش روی صحنه و شوخی‌های جنسی در توبره و هم رن آنها و ریختن‌شان روی پرده سینما باقی نمانده؟! فیلمساز داستان ما البته برای داغ کردن تنور فیلم گیشه‌پسندش به همین هم بسند نکرده و نیم‌نگاهی هم به ساحت سیاست داشته است.



نکته دیگر اثر جدید کیایی، کم شدن فاصله او با شعاهای گل‌درشت سیاسی است. کیایی هر چند در آثار انتقادی و اجتماعی چند سال اخیر سعی کرده به گونه‌ای رفتار کند که از حواشی سیاسی دور بماند، اما در اثر اخیر خود که به وضوح موضوعی را دستمایه توستاژتی و خندیدن و مهاجرت و طعنه زدن به زبان طنز انتخاب کرده به وضوح نسبت خاصی با مجموعه حاکمیت دارد. سوژه اصلی داستان او خواننده‌ای است که به تعبیر خودش اگر يك ماه دیرتر انقلاب شده بود الان به یکی از ستاره‌های دنیای موسیقی تبدیل شده بود ولی واقعیت آن‌گونه پیش نرفت که مطرب داستان کیایی در ذهنش پیش‌بینی می‌کرد.

با همه اینها اما فرم و لعاب سینمایی کیایی آن قدر سطحی و دم‌دستی و مبتذل درآمده که مضمون سیاسی پنهان در فیلم اصلا به چشم نیامده و احتمالا هم جدی گرفته نمی‌شود. شاید به همین دلیل هم باشد که مقاماتی از دستگاه قضا که به تعبیر کیایی، فیلم را دیده‌اند، مشکلی با آن نداشته و به ادعای خود کارگردان با حذف چند صحنه تن به اکران و نمایش عمومی آن داده‌اند. کسی چه می‌داند شاید هم توقیف خواسته یا ناخواسته «خانه پدری» امتیازی شد برای مطرب که بسیاری از انتقادهای خانه پدری هم به او می‌چسبید، ولی خب عدم صدور برای اکران و نمایش آن دیگر به صلاح نبود.



### سینما در دسترس کودکان نابینا قرار گرفت

برای نخستین بار و با نمایش فیلم توضیح‌دار «خاله قورباغه»، سینما در دسترس کودکان نابینا قرار گرفت.

آن‌طور که ایستادگزارش داده، طی مراسمی که روز جمعه (۱۷ آبان) در پردیس چارسو برگزار شد، جمع گسترده‌ای از نابینایان و خانواده‌هایشان به تماشای

حضور بازیگری چون پرویز پرستویی، کارنامه قابل اعتنای مصطفی کیایی در سینمای کمدی اجتماعی، عنوان و موضوع و تیزرها و تبلیغات فیلم و تعویق و توقف يك هفته‌ای در اکران و رزمه‌هایی که درباره جلوگیری از نمایش فیلم وجود داشت، ظرفیت‌های بالقوه‌ای برای این میزان از کنجکاوی و توجه به «مطرب» است؛ فیلمی که با رکوردشکنی فروش در روز اول، برای فیلم‌های پرفروش‌نوروز و نیمه اول سال هم خط و نشانی حسابی کشید و در کمتر از چند روز حدود سه میلیارد تومان در گیشه فروش داشت. با این حال چرا مطرب باوجود همه عناصر جذاب اولیه و حتی این میزان از اقبال، فیلم جذاب و ماندگاری نیست و راهی به فهرست کمدی‌های درست و حسابی سینمای ایران پیدا نمی‌کند؟

#### نمره بدر کارنامه‌ای خوب

مصطفی کیایی در چند سال گذشته و با ساخت بعد از ظهر سگی سگی، حال و هوای تازه‌ای را به سینمای ایران تزریق کرد و سراغ روایت برخی دغدغه‌ها و مسائل و مشکلات اجتماعی با زبانی انتقادی و البته در قالبی کمیک و بامزه و روانی رفت. قبل از او کمتر پیش می‌آمد فیلمسازی در سینمای ایران، برای انتقاد از برخی مشکلات جامعه، لحن بامزه و کمیکی انتخاب کند، معمولا برای بیان چنین سوژه‌هایی یا فیلمسازان ترجیح می‌دادند، روایت تلخ و تیره‌ای را به کار بگیرند و سراغ کمدی نروند و کمدی‌ها هم که غالبا در فضای هپروتی و ساده‌انگارانه و پیرامون مسائل خنثی روایت می‌شدند و چندان کاری به موضوعات و مسائل مهم جامعه نداشتند یا اگر هم چنین موضوعاتی را برای روایت انتخاب می‌کردند، فیلمنامه‌ها چفت و بست درستی نداشت و ساختار فیلم‌ها جذاب و اثرگذار نبود.

اما کیایی، جوان خلاق و خوش‌ذوقی بود و است که این توانایی را دارد که تلخ‌ترین مضامین را در ظرف بانمکی به مخاطب عرضه کند، به‌درستی از او خنده بگیرد و حرف اثرگذارش را هم به او منتقل کند؛ کم و بیش شبیه نمونه‌های موفق جهانی که برای اثرگذاری بیشتر و ارتباط با طیف بیشتری از مخاطبان، موضوعات مهم و جدی و مسائل اجتماعی را در قالب کمدی و البته به بهترین شکل عرضه می‌کنند.

کیایی این روند را در فیلم‌های بعدی خود هم تثبیت کرد و حتی می‌توان گفت در این زمینه، صاحب امضا هم شد. ضدگلوله، خط ویژه و عصر یخبندان، سراغ مسائلی جدی و سیاسی و اجتماعی می‌رود و آن را در موقعیت‌هایی کمیک و نمکین به مخاطب عرضه می‌کند. نتیجه، فیلم‌هایی است که در لایه بیرونی، پر از لحظات خنده‌دار است و در لایه زیرین، نسبتی با خنده و کمدی و شوخ طبعی ندارد و با موضوعات و مسائلی جدی سروکار داریم.

این وضعیت کم و بیش در بارکد هم برقرار است، هرچند فیلم خوبی نیست و چندان موفق نمی‌شود آن تعادل میان پوسته‌های بیرونی و درونی اثر را رعایت کند و به همین دلیل، همان مسائل و مشکلاتی که در فیلم‌های قبلی کیایی، با جزئیات نمکین و اثرگذار به آن پرداخته شده بود، اینجا شکلی صنعتی و گل درشت پیدا می‌کند.

چهارراه استانبول، تا اینجا تنها فیلم کیایی است که ترجیح می‌دهد، مسائل و مشکلات اجتماعی‌اش را در فضایی کاملا جدی و به دور از شوخی و کمدی روایت می‌کند، البته سوژه ملتهب فیلم (حادثه ساختمان پلاسکو) هم طبیعتا راهی به شوخی و خنده نداشت و نمی‌شد جور دیگری با آن طرف شد.

مطرب هم تقریبا به سیاق غالب فیلم‌های کیایی ساخته شده و موضوعی جدی را در فضایی کمدی روایت می‌کند، اما فیلم نه موفق می‌شود همچون آثار خوب این فیلمساز، بستر زیرین و جدی‌اش را خوب پایه‌گذاری کند و بنا نهد و نه در ظاهر کمدی و پوسته بیرونی، شش‌دانگ و جذاب پیش می‌رود و به جز لحظات مختصری، درمجموع نمی‌تواند خنده درست و حسابی از تماشاگر بگیرد. نه این‌که آگاهانه نخواهد، بلکه نمی‌تواند و درواقع انگار زورش نمی‌رسد بیشتر از اینها تماشاگر را بخنداند. بخشی از این ضربه به فیلم و فیلمنامه، به غمخواری بیش از حد نویسنده و فیلمساز، نسبت به سوژه و قهرمان فیلمش، ابراهیم برمی‌گردد و همین، روند کمدی فیلم را مختل می‌کند.

مطرب که اساسا ایده کمدی‌اش را از انقلاب اسلامی به عنوان يك دگرگونی بزرگ سیاسی و اجتماعی می‌گیرد و پایه اولیه قصه و سرنوشت ابراهیم، خواننده کاباره‌ای پیش از انقلاب را روی همین بنا می‌کند و از نمذ همین نیش و کنایه هم کلاهی برای فیلمش می‌دوزد، تقریبا در همین حد باقی می‌ماند و نان این اقبال و فروش گیشه را تا حدود زیادی از همین ایده می‌خورد. وگرنه قصه اگرچه در طول روایت می‌شود و پیش می‌رود، اما چندان منطقی نیست و روزنه‌ها و ساده‌انگاری‌های زیادی در فیلمنامه به چشم می‌خورد.

حسرت به شهرت رسیدن ابراهیم به عنوان يك خواننده کاباره‌ای پیش از انقلاب،

فیلم خاله قورباغه نشستند. پیش از تماشای فیلم، مجری نابینا اشکان آذر ماسوله به حاضران خوشامدگفت و از آغاز فعالیت سینمای کودکان سوینا با این برنامه خبر داد. سپس داریوش فرضیایی، محمد بحرانی، حبیب‌رضایی، غزل شاکری، نینماکری، زینب زارع و گلاره عباسی (مدیر سوینا) روی صحنه دعوت

به خودی خود برای يك روایت جذاب و بانمك، کارایی داشت و حتما نیاز نبود که این ژن خوانندگی به دختر و پسرش، زیبا و فواد هم منتقل شود و بعد هم ماجرای مهاجرت آنها برای خوانندگی پیش بیاید. بعد از آن هم کلیشه‌هایی چون حضور موقت در ترکیه و رفتار همیشگی و نخ‌نمای قاچاقچیان و دلان مهاجرت‌های غیرقانونی را داریم که وجود آنها در فیلمنامه و فیلم از کیایی، بعید بود. همچنین اساسا حضور يك خواننده کاباره‌ای نه چندان مشهور برای برگزاری يك کنسرت در هفته فرهنگی ایران و ترکیه، خودش یکی از ایرادات مهم فیلم است که باز بخش مهمی از ماجراهای بعدی قرار است روی آن استوار باشد، این‌که چگونه نظارت و کنترلی روی این مساله وجود ندارد و به سادگی می‌شود، برای ارائه کارنامه موسیقایی ابراهیم، آثار مرحوم ایرج بسطامی را به وزارت ارشاد، قالب کرد! همین‌طور باید به رابطه فواد با نازان اشاره کرد که خیلی ساده‌انگارانه است و کمی بعید به نظر می‌رسد يك خواننده زن مشهور ترك که طرفدارانی پروپاقرص دارد، يك زندگی ساده و آرامی داشته باشد و جای بادیگارد و مدیر برنامه و خدم و حشم او را يك پرستار بچه ایرانی بگیرد و تازه برای رفع و رجوع کردن، دروغ‌های این پرستار مرد را هم با مهربانی بی‌دلیل، لا‌پوشانی کند و دست آخر هم اسیر يك عشق پیش‌بینی نشده شود!

باور بفرمایید کیایی پیشتر اینقدر ساده و پر از سوراخ، قصه‌هایش را روایت نمی‌کرد، اما به نظر می‌رسد اینجا همه چیز تحت‌الشعاع ایده اولیه فیلم قرار گرفته و چندان تلاش نشده تا فیلم در جزئیات هم با دقت و وسواس پیش برود.

کاری که کیایی در مطرب، به شکل ناقصی انجام می‌دهد، پیشتر در ضدگلوله، به بهترین شکل آن را انجام داده بود و آنجا به خوبی توانست، روند تغییر سرنوشت يك شخصیت و يك حرفه در پیش و پس از انقلاب را به تصویر بکشد.

#### امان از بعضی شوخی‌ها

نمی‌خواهیم کاسه داغ‌تر از آش باشیم و با طرح مواردی، راه را برای شکل‌گیری کمدی سخت کنیم. به هرحال کمدی و شوخی‌ها، باید روی مسائلی متمرکز شوند و برای رسیدن به مقصود و خنداندن تماشاگر، تا حدودی آغشته به بی‌پروایی باشند. دروغ چرا؟ بیشتر جوك‌ها و لطیفه‌هایی که به آنها می‌خندیم، چندان تمیز و پاستوریزه نیستند. با این حال امکانش هست که با رعایت ادب و با استفاده از ذوق و خلاقیت، راه‌های میانبری برای خنداندن بدون ابتذال، پیدا کرد.

می‌توانیم باز هم از کارنامه خود کیایی وام بگیریم، او پیشتر نشان داد که بدون این‌که سراغ مسائل سخیف و سطحی برود، می‌تواند به خوبی تماشاگر را بخنداند، هم به لحاظ کلامی و هم با کمدی موقعیت. اما در مطرب کم پیش‌آمد که کیایی، سراغ کمدی موقعیت برود و آن چندجایی هم که موفق به خنداندن تماشاگر شد، از شوخی‌های جنسی مایه گذاشت. هرچند گاهی در همین فضا هم خلاقیت بیشتری به خرج می‌داد و انتظار می‌رفت که اگر هم قرار به استفاده از چنین شوخی‌هایی باشد، کیایی با همین دست فرمان پیش برود، مثل مکالماتی که ابراهیم و همسرش، پشت درهای بسته داشتند که این گفت‌وگوها به نتایجی چون زیبا و فواد، ختم شد!

کیایی یکی دو جایی سراغ استفاده از برخی ترانه‌های غیرمجاز رفت و آنها را در دیالوگ‌های بازیگران به کار گرفت، مثل آتجایی که راننده سفارت ایران در ترکیه و زیبا، با هم یکی به دو می‌کنند.

از کیایی انتظار می‌رفت خیلی بیشتر از این، چنین مسیری را پیش بگیرد که هم بامزه و کمیک بود و کار را به يك موزیکال نرم نزدیک می‌کرد و هم می‌توانست، آن ممنوعیت و محدودیت مضمونی و مورد اشاره فیلمساز را بدون ایجاد حساسیت، مطرح و تقویت کند.

#### چرا راوی؟

مطرب، قصه‌اش را سرراست و خطی تعریف می‌کند و ما در طول فیلم، زندگی ابراهیم را دنبال می‌کنیم. هرچند ایراداتی به فیلمنامه وارد است، اما خود فیلم به هرحال همین قصه نیم‌بندش را روایت می‌کند و دیگر نیازی به راوی و شنیدن صدای پرویز پرستویی (ابراهیم) روی تصاویر فیلم نبود. گویندگی او، بیشتر توضیح و‌اضحاتی است که در فیلم می‌بینیم و چیزی هم به قصه اضافه نمی‌کند.

حالا که صحبت آقای پرستویی شد، اجازه دهید اشاره کنیم که این استاد بازیگری اگرچه مثل همیشه، حضور مقتدرانه‌ای در فیلم دارد، اما بازی او در نقش ابراهیم، با وجود برخی لحظات، با بهترین نقش‌آفرینی‌های او فاصله دارد. دیگر بازیگران فیلم همچون مهران احمدی و محسن کیایی هم حضور ویژه‌ای ندارند و الناز شاکردوست هم انگار بعد از چند فیلم و نقش متفاوت، يك استراحتی به خودش در بازیگری داده و هوای فیلم‌های اولیه‌اش در سینما را کرده است.

شدند و با حضاران سخن گفتند. پس از آن محمد بحرانی با جناب خان به اجرای برنامه پرداخت و سپس داریوش فرضیایی روی صحنه رفت و با روایت خاطراتی شیرین از ضبط برنامه‌های گذشته‌اش در رادیو و اجرای يك سرود کودکانه لحظات شادی را رقم زد.

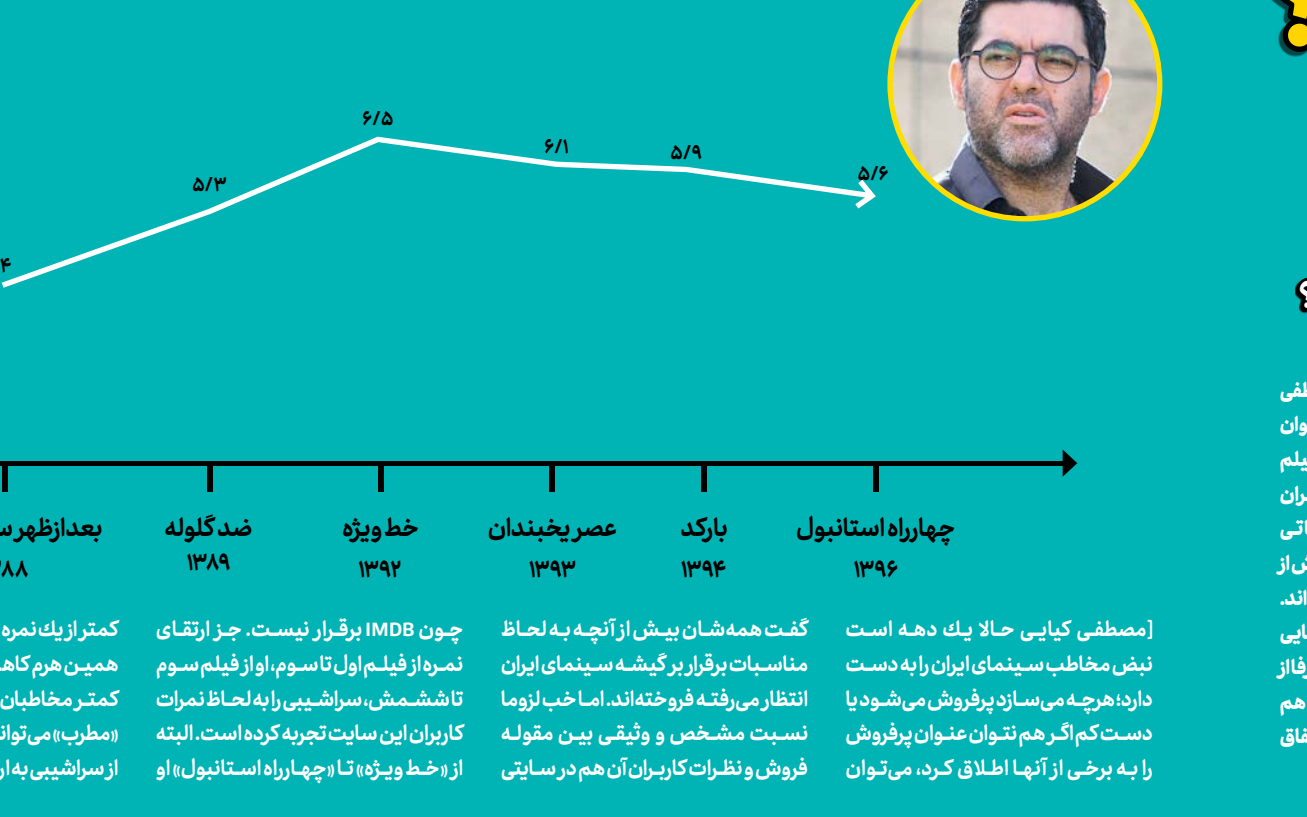
### چند نکته درباره فیلم

# بفرما

سرعت تحولات فرهنگی و سینمایی در این روزها خیلی بالا رفته است، ش سینما را در نظر بگیرید. هنوز البته‌ابهات توقیف خانه پدری نخواهیده است حواشی فیلم کیانوش عیاری را به حاشیه راند. انگار نه و همین یک هفته قبل تیتُر



### نمره فیلم‌های مصطفی کیایی در IMDB



چهارراه استانبول	بارکد	عصر یخبندان	خط ویژه	ضد گلوله	بعد از ظهر
۱۳۹۶	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۸۹	۱۳۸۸
چهارراه استانبول	بارکد	عصر یخبندان	خط ویژه	ضد گلوله	بعد از ظهر
۱۳۹۶	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۸۹	۱۳۸۸



# شیب یا بام؟

## کاربران IMDB جهان چه نمراتی به فیلم‌های مصطفی کیایی و فیلم‌های کمدی پرویز پرستویی داده‌اند؟

«مطرب» تازه‌ترین اثر به‌نمایش درآمده از مصطفی کیایی به‌عنوان کارگردان و پرویز پرستویی به‌عنوان بازیگر است. در این دو صفحه از چند زاویه به این فیلم پرداخته‌ایم اما اینجا رفته‌ایم سراغ نظرات کاربران معتبرترین سایت سینمایی جهان و بانک اطلاعاتی جامع‌ش رفته‌ایم تا ببینیم کیایی و پرستویی پیش از این چه نمراتی را از کاربران این سایت دریافت کرده‌اند. البته مادر IMDB از يك سو صرفا رفته‌ایم سراغ فیلم‌هایی که مصطفی کیایی به‌عنوان کارگردان در آن حضور داشته و از سوی دیگر صرفا از فیلم‌های کمدی کارنامه پرستویی سراغ گرفته‌ایم تا اگر بخواهید مقایسه‌ای هم بکنید و این روند را به بررسی بخشینید، مقایسه فیلم‌ها صرفا در زائری اتفاق بیفتد که به «مطرب» مربوط است.



صابر محمدی ادبیات و هنر